

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

The Perspective of Martyr Motahhari and John Rawls on Gender Justice in Education

1. Hakimeh Safa: PhD Student in Philosophy of Islamic Education, Department of Education, Islamic Azad University, Lamerd Branch, Department of Educational Sciences, Iran

1. Aliasghar Mashinchi*: Assistant Professor, Department of Education, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. Email: Mashinchi56@gmail.com (Corresponding Author)

2. Mokhtar Ranjbar: Associate Professor, Department of management, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran

ABSTRACT

The aim of the present study is to conduct a comparative analysis of gender justice in education from the perspectives of Martyr Motahhari and John Rawls in order to propose a model. This research is applied in terms of its objectives and employs a comparative content analysis approach for data collection. Initially, data were gathered through note-taking and information recording, leading to the identification of comparative components in the thoughts of Martyr Motahhari and John Rawls, with the purpose of proposing a model. The research scope included books, articles, and studies that focused on the comparative education perspectives of Martyr Motahhari and John Rawls, with the aim of proposing a model. A total of 130 volumes were selected through purposive and criterion-based sampling, ensuring their relevance and currency with the subject matter. The study encompassed all books, articles, and published research, which were coded by various researchers using a coding method. The tools used for data collection were note-taking from credible sources, articles, and documents, conducted in a library or archival manner. The data analysis method involved coding techniques, including open coding, axial coding, and selective coding. The findings indicated that the previous research conducted by other scholars somewhat aligns with the results obtained in this study, and some of the indicators and components identified in the present research are validated by previous findings. After reviewing and studying the theoretical foundations, research background, and documentation in articles and with researchers, 4 dimensions, 16 components, and 48 indicators were ultimately identified. These include value-oriented components comprising 4 components and 12 indicators, anthropological components comprising 4 components and 12 indicators, epistemological components comprising 4 components and 12 indicators, and psychological components comprising 4 components and 12 indicators.

Keywords: *Perspective of Martyr Motahhari and John Rawls, Value-Oriented, Anthropological, Epistemological, Psychological.*

How to cite: Safa, H., Mashinchi, A., & Ranjbar, M. (2024). The Perspective of Martyr Motahhari and John Rawls on Gender Justice in Education. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(1), 13-34.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 02 April 2024

Revise Date: 20 May 2024

Accept Date: 31 May 2024

Publish Date: 19 June 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

دیدگاه شهید مطهری و جان رالز در تربیت عدالت جنسیتی

۱. حکیمه صفا: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

۲. علی اصغر ماشینیچی*: استادیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. پست الکترونیک: Mashinchi56@gmail.com

(نویسنده مسئول)

۳. مختار رنجبر: دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو است. این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا تطبیقی است و برای این منظور ابتدا داده‌ها براساس فیش و ثبت اطلاعات گردآوری شدند که منجر به شناسایی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو شد. حوزه پژوهش شامل کتب، مقالات و تحقیقاتی که به تربیت تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو پرداخته اند بوده است که تعداد آن‌ها ۱۳۰ جلد بود و با روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند انتخاب شد. حوزه مطالعاتی شامل کلیه کتب، مقالات و تحقیقات چاپ شده بود که توسط پژوهشگران و محققان مختلف و به شیوه کدگذاری انجام شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری از منابع معتبر، مقالات و اسناد می‌باشد که به شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی انجام می‌شود. روش تحلیل داده‌ها روش کدگذاری به شیوه (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی یا گزینشی) بود. یافته‌ها گویای آن بود که تحقیقات انجام شده قبلی توسط سایر محققان تاحدودی با نتایج بدست آمده در این تحقیق همخوانی داشته است و برخی از شاخص‌ها و مولفه بدست آمده در تحقیق حاضر بوسیله یافته‌های قبلی تایید می‌شود. پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی و مستندات با مقالات و پژوهشگران در نهایت ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص شناسایی شد. که مولفه‌های ارزش شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه‌های انسان شناختی نیز حول ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه‌های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه‌های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص شناسایی شد.

واژگان کلیدی: دیدگاه شهید مطهری و جان رالز، ارزش شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، روانشناختی.

صفا، حکیمه، ماشینیچی، علی اصغر.. و رنجبر، مختار. (۱۴۰۳). دیدگاه شهید مطهری و جان رالز در تربیت عدالت جنسیتی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۱)، ۳۴-۳۳.

۱۳.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳



عدالت واژه‌ای است عربی از این رو رجوع به فرهنگ‌های لغت عربی برای فهم معنای آن لازم است. عدالت از ریشه عدل گرفته شده است. راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» عدل را چنین معنا می‌کند: «عدل لفظی است به معنای مساوات» و در ادامه توضیحات مربوط به این واژه، مجدداً متذکر می‌شود: «عدل تقسیم برابر می‌باشد». ابن منظور، دیگر لغت‌شناس معروف زبان عربی در «لسان العرب» ذیل واژه عدل می‌نویسد: «آنچه در بین مردم رایج استاین است که عدالت به معنای مستقیم بودنو منحرف نشدن است و ضد جور است... عدل در خصوص اسمای الهی به معنی کسی است که هوا بر او غلبه نمی‌کندتا در حکم کردن جور کند». معنای عدالت و عدل در زبان فارسی نیز به معنای عربی آن نزدیک است. دهخدا در فرهنگ لغت خود در ذیل واژه عدل می‌نویسد: «عدل {عِصَم} مقابل ستم. مقابل بیداد. داد. (دستور اللغه). مقابل جور. ضد جور. نقیض جور. (منتهی الارب) (اقرب الموارد). مقابل ظلم. نصف. قسط. عدالت. انصاف. امری بین افراط و تفریط. (از قطر المحيط) (از اقرب الموارد). مساوات در مکافات به نیکی نیکی، و به بدی بدی. داوری به حق مساوی آزم». هم چنین وی عدالت را اینگونه معنا می‌کند: «عدالت: دادگری کردن. عدالت کردن. جرجانی گوید: عدالت در لغت استقامت باشد و در شریعت عبارت از استقامت بر طریق حق است به اجتناب از آنچه محظور است در دین». در فرهنگ فارسی معین معانی زیر برای کلمه عدل و عدالت آمده است: عدل: ۱- داد کردن، داد دادن ۲- نهادن هر چیزی به جای خود. ۳- حد وسط میان افراط و تفریط. ۴- دادگری، انصاف، عدالت مقابل ظلم ۵- داد. ۶- اندازه و حد اعتدال. و در ذیل کلمه عدالت آمده است؛ عدالت: ۱ داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن. ۲- دادگری، انصاف (عدالت) اجتماعی، عدالتی که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند). کانو (۲۰۲۲) در تعریف عدالت اظهار می‌دارد: عدالت به معنای راستی اخلاقی است که بر پایه اصول اخلاقی، عقلانیت، حقوق، حقوق طبیعی، مذهب یا برابری شکل گرفته است و همراه با تنبیهی است که به اصول تعیین شده تجاوز می‌کنند؛ و در جای دیگر اظهار می‌دارد: عدالت، عادلانه و منصفانه عمل کردن است. داستون بیان می‌دارد: عدالت از مفاهیمی چون نوع دوستی، نیکوکاری، بخشش، خیرخواهی و یا دلسوزی متفاوت است. عدالت به صورت تاریخی و سنتی با مفاهیمی همچون تقدیر، تناسخ و مشیت‌الهی در ارتباط بوده است. در حالی که ارتباط عدالت و انصاف حاصل ابداعات دوره مدرن در جوامع غربی بوده است. عدالت، عمدتاً بر واژه‌های مساوات، برابری، میانه روی، حد وسط میان افراط و تفریط، موازنه، قرار دادن هر چیزی در جای خود، اندازه و اعتدال و... تکیه شده است که در یک جمله می‌توان گفت همان قرار دادن هر امری (اعم از فردی و اجتماعی و...) در جای خود و رعایت اعتدال و حد وسط است. شهید مطهری در آثار مختلف خود عدالت را اینگونه تعریف می‌کند: «عدالت در مفهوم وسیعش عبارت است از دادن حق صاحبان استحقاق بدون هیچ تبعیضی میان آنها» (Motahari, 2013). یا در جای دیگری می‌نویسد: «عدالت عبارت است از: «اعطاء کل ذی حق حقه» یعنی افراد در متن خلقت و طبیعت، در مرحله مقدم بر قانون یک اسحقاقهایی دارند» (Motahari, 2017). بر این اساس عدالت عبارت است از این که حق هر صاحب حقی به او عطا شود. اگر کسی صاحب حقی باشد و حقس عطا نشود عدالت رعایت نشده و به تعبیر دیگر در حق او ظلم شده است. مثلاً اگر مالکیت بر اموال را حق انسان بدانیم اگر این حق به او عطا شود عدالت رعایت شده و اگر از او سلب شود در حق او ظلم شده است. ایشان مفهوم عدالت را به صورت دیگری نیز تعریف می‌کنند: ضمن نقل حدیثی از امیر المؤمنین علی (ع) عدالت را اینگونه تعریف می‌کنند: «عدالت این است که حق هر ذی حقی به خودش برسد. این است معنی کلام امیر المؤمنین (ع) که فرمود: «العدل یضع الامور مواضعها»، «عدل هر چیزی را در جای خود و محل خود قرار می‌دهد» (Motahari, 2012). شهید مطهری منشأ حق را علت غایی و علت فاعلی می‌داند؛ یعنی علت غایی و علت فاعلی موجب ایجاد حق می‌شوند (Motahari, 2002). در توضیح علت

غایی و علت فاعلی باید گفت مطابق تقسیم بندی ارسطو چهار علت موجد معلول می‌باشند؛ علت فاعلی، علت غایی، علت مادی و علت صوری. «علت غایی عبارت است از آن چیزی که معلول به خاطر او وجود پیدا کرده است» (Motahari, 2014) و «علت فاعلی عبارت است از مابه الوجود؛ یعنی آن چیزی که وجود معلول به سبب اوست» (Motahari, 2011). عدالت که بر اساس مفهوم تعادل و تناسب، تفاوت در شرایط متفاوت، تساوی در شرایط مساوی، دادن حق هر صاحب حقی و قرار گرفتن هر چیزی در جای خود بر اساس یک سلسله مبنایی شکل خواهد گرفت. یعنی مبادی تصویری و تصدیقی عدالت با مبنایی عدالت جنسیتی گره خورده است، به تعبیر شهید مطهری: «علمای اسلام با تبیین و توضیح اصل عدل پایه فلسفه حقوق را بنا نهاده‌اند» (Motahari, 2008). عدم تشابه زن و مرد لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی است تا تساوی به معنای رعایت حقوق هر انسانی بنابر مقتضیات طبیعت، ظرفیت، استعداد و استحقاق آن و تعادل در نظام اجتماعی معنای اصلی خویش را باز یابد تا «عدالت جنسیتی» بر اساس آن مبنایی چون: مبنای طبیعی، فطری، مصلحت، مفسدت، حکمت و علت احکام الهی تفسیر و تبیین گردد. بنابر تفکر ناب اسلامی عدالت و حقوق، عدالت و حکمت با هم تفسیر پذیر خواهند بود و انسان و جهان و زن و مرد را از حیث فردی، خانوادگی و اجتماعی بایستی بر اساس عدل و حکمت با هم تفسیر پذیر خواهند بود و همین دلیل استاد مطهری معتقدند: «آن چه در خلقت وجود دارد» تفاوت» است نه «تبعیض» و راز تفاوت‌ها یک کلمه است، «تفاوت موجودات، ذاتی آن‌ها می‌باشد و لازمه نظام علت و معلول» (Motahari, 2007). رالز در نظریه عدالت خویش، در وضعیتی به عنوان وضع نخستین یا اولیه در آغاز عدالت را بر می‌گزیند که در وهله اول امکاناتی را به عنوان ضرورت اولیه برای همه شهروندان به صورت یکسان قائل می‌شود و در مرحله بعد امکانات ثانویه‌ای را سامان می‌دهد که بیشترین قاعده‌ی آن به بی‌نصیب‌ترین افراد جامعه می‌رسد. به این صورت رالز در یک اصل، برابری کامل و در اصل دیگر، نابرابری را می‌پذیرد و برای سامان دهی و ارتباط معنا دار این دو جهت مخالف، «اصل اولویت» را قرار می‌دهد (Rawls, 2019). نظریه عدالت رالز تا آنجا که از آزادی‌های اساسی فردی دفاع می‌کند، لیبرال است و آنجایی که فرض می‌شود همه که افراد از نظر اخلاقی برابرند و حکم به توزیع گسترده منابع مادی (درآمد و ثروت به سمت کسانی که از چنین منابعی کمتر برخوردارند می‌نماید، برابری طلب است (Rawls, 2020). تصور رالز از قرار داد اولیه این است که افراد باورهای اخلاقی و دینی خود را کنار می‌گذارند و فرضشان این است که نمی‌دانند از کدام طبقه، جنسیت، نژاد یا قومیت هستند و حتی از امتیازات وجودی خویش هم بی‌اطلاع هستند. همه سود خود را می‌خواهند ولی چون از پشت پرده بی‌خبری و فارغ از موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌ها کنار هم قرار می‌گیرند، هیچ کس احساس برتری نمی‌کند و در یک برابری اولیه به یک توافق فرضی و تعادلی در برداشت‌های خود می‌رسند به صورت طبیعی دو اصل «آزادی‌های بنیادین و نابرابری‌های اجتماعی» از آن بوجود می‌آید. در این راستا او نابرابری‌های مربوط به زنان و مردان را که مربوط به خانواده است جدای از جامعه سیاسی ندانسته و معتقد است آزادی زنان با همین حقوق شهروندی و آزادی‌هایی که هر شهروند باید داشته باشد، قابل تأمین است (Rawls, 2019). الف - مقصود رالز از تشکیل چنین فضایی، تخلیه ذهن از مفاهیم زمان و مکان است و مقصود از قرارداد این است که واقعه تاریخی در مقطع خاصی رخ داده باشد. ب - مقصود از عدالت، عدالت شخصی (مثل عادل بودن فلان شاه یا فلان قاضی) و نیز عدالت در یک موضوع خاص (مانند اینکه رأی دادگاه در فلان دعوا عادلانه بود یا نه) نیست بلکه عدالت نهادهای اجتماعی است که با مسائلی چون اختیارات و مسئولیت‌های مربوط به مقامات عمومی و حقوق و و تکلیف‌های ناشی از مشاغل اجتماعی سرو کار دارد. عدالت در این معنا فضیلت یک نهاد اجتماعی است (Rawls, 2022) و به عبارتی نقشی است که دولت برای رفاه شهروندان خود ایفاء می‌کند. ج - رالز در توصیف اخلاقی بودن وضع نخستین چنین می‌گوید: افراد خیر خودشان را به طرق مختلف و گوناگون می‌یابند و بسیاری چیزها

ممکن است برای شخصی خوب باشد و برای شخصی دیگر خوب نباشد؛ بنابراین شهروندان را باید به حال خود گذاشت تا خود کشف کنند چه چیزهایی ارزش دنبال کردن را دارند تا خودشان خیر خودشان را معین کنند. این آزادی دنبال کردن خیر خود نیز قیدی دارد و آن اینکه مانع و رادع برای دیگران نشوید. اگر من به دنبال چیزی به تشخیص خودم باشم اما این کار من اخلاقی در کار شما به وجود آورد که به دنبال خیری به تشخیص خودتان هستید یا مانع آن شود، دولت باید مداخله کند و جلوی مرا بگیرد (Arman Mehr & Motevasseli, 2010).

در این صورت تعریف اخلاق از نقطه نظر رالز آزادی تام هر شخص یا اشخاص با رضایت یکدیگر می‌باشد و هدایت و یا دخالت دولت فقط در حد جلوگیری از آزادی است که به موجب رضایت نباشد. خصوصیت دیگری که رالز تصویر می‌کند، رسیدن به تصور مشترک از عدالت میان افراد در وضعیت نخستین است که مستلزم بی طرفی افراد بوده و لازمه بی طرفی آن است افراد عاقل که انتخاب گر (بازیگر عقلانی) هستند در فرض و شرایطی دست به انتخاب بزنند که در آن شرایط، این افراد از ارزش‌ها و ویژگی‌های خیرهای اساسی، مطلع و با کلیات روان شناسی انسانی و جامعه انسانی نیز آشنا باشند و هر شخصی باید با واکنش عاقلانه تعیین کند که چه چیزی خیر اوست (Akhavan Kazemi & Veisi, 2020).

عدالت از جمله مفاهیم و موضوعاتی است که در همه مکاتب اعم از الهی و غیر الهی مورد توجه بوده است؛ زیرا که مطلوب ذاتی همه انسان‌ها بوده و کمتر متفکر و صاحب نظری را می‌توان یافت که در این زمینه دغدغه‌های خود را نشان نداده باشد (Shajarian, 2020). رافائل بیان می‌دارد: عدالت مفهوم پیچیده‌ای است که در تفکر اجتماعی به صورت گسترده‌ای رواج دارد. این مفهوم پایه‌ای برای قانون، اخلاق، و سیاست و حوزه‌های مشابه دیگر است. عدالت دو چهره دارد: چهره‌ای محافظه کارانه و چهره‌ای اصلاحی. به نظر می‌رسد هر دو بعد عدالت در تفکر اجتماعی و اخلاق سیاسی حاکم باشد. برخی دیگر در تعریف عدالت از مفهوم انصاف بهره می‌گیرند: تنوع زیادی در تعاریف عدالت در میان فرهنگ‌های جهان وجود دارد. هسته مشترک تمام این تعاریف از عدالت، مفهوم انصاف است که معنای آن نیز نه تنها در میان افراد بلکه در میان فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و حوزه‌های تاریخی متفاوت است. تامس جونز نیز معتقد است: اصل عدالت نگر و عدالت‌گرایی ذاتی بوده، فطری نوع انسانی است. فطرت اصلی عقلی همگانی و فطرت اصیل روحی عمومی انسان‌ها، به ترتیب عدالت‌نگر و عدالت‌گراست. یعنی نگرش عقلی به عدالت داشته و گرایش روحی به ضرورت، حسن یا نیکویی و زیبایی و ارزش ذاتی و فطری آن دارد. کما این که به تبع آن، انسان‌ها با فطرت عقلی-روحی تبعی خویش ذاتا ظلم‌ناپذیر و ظلم و ظالم ستیزند. اگر چه با انحراف منشی ناشی از تحریف بینشی، ظلم و متقابلا انظلام یعنی ستم‌گری-ستم‌پذیری در روابط انسانی ایجاد شده و گسترش یافته است (Akhavan Kazemi & Veisi, 2020).

عدالت به عنوان رکن رکن اسلام به عنوان اصلی پایدار مطرح است و نظام تکوین و تشریح را در بر می‌گیرد (Abbas Zadeh, 2020). برخی از فلاسفه و حکمای اسلامی، قابلیت و استعداد موجودات را ملاک عدل دانسته اند. براساس این دیدگاه خداوند تبارک و تعالی و خالق هستی به هر چیزی که قابلیت هستی و کمال داشته باشد، هستی می‌دهد و عدل به معنای افاضه ی هستی و کمال به موجودات است (Shirazi & Feyzi, 2017). در این میان دیدگاه اندیشمندان و صاحب نظران در ساخت نظریات جدید و در چند سده اخیر به ویژه در غرب در خصوص عدالت قابل توجه است. هرچند در میان این نظرات تفاوت‌ها و حتی تناقض‌ها و تعارض‌هایی به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه مشاهده می‌شود که مفهوم عدالت بخش اعظم مبنای اخلاقی نظریه دموکراسی رابه خود اختصاص می‌دهد (Hekmat Nia, 2020). مساله برابری زن و مرد از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر ذهن جامعه علمی را بسیار به خود مشغول کرده است صاحب نظران متعددی در این حوزه به ایراد پرداخته و در این راستا متفکرین اسلامی در پی تبیین مساله عدالت و برابری از منظر اسلام و نقد رویکردهای فمینیستی برآمده اند، هم چنین پژوهش‌های مختلفی نیز در این حوزه انجام شده است (Irvani et al., 2023).

شهید مطهری معتقد است دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را بر پایه اصل عدل در مداری مخصوص به خود قرار داده است. از این رو سعادت هر موجودی در آن است که در مدار طبیعی خود حرکت کند. بر این اساس، وی عقیده دارد که با وجود دیدگاه رایج جنبش‌های فمینیستی تساوی طلب، این تفاوت‌ها به معنی برتری جنسی مرد نمی‌باشد، بلکه به منظور تحکیم پیوند خانوادگی بین آن‌هاست. به این ترتیب قانون آفرینش با ایجاد تفاوت‌ها به دست خود، حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کرده است (Motahari, 2019). عدالت رفتار یکسان با همه افراد نیست، بلکه به هر کس باید حقتش داده شود و چه بسا گاهی رفتار مشابه با زن و مرد عین ظلم است؛ بنابراین تساوی زن و مرد تنها با توجه به موقعیت هر یک در نظام آفرینش و تعدیل ارتباطات متقابل آن‌ها تعریف می‌شود و به عبارت دیگر "تساوی در جایی است که احکامی که بر علیه هر یک از زن و مرد است برابر با احکامی باشد که به نفع ایشان است (Tabatabaei, 2020). یعنی باید در تعیین وظیفه اشخاص، توازن و همسانی وجود داشته باشد. این برداشت به خاطر آن است که گاهی از مفهوم عدل، تساوی فهمیده می‌شود. با این حال هر نوع تساوی را نمی‌توان عدل دانست، بلکه در صورتی که استحقاق افرادی با هم مساوی و برابر باشد و با آن‌ها یکسان عمل شود و می‌توان تعبیر برخورد عادلانه و رعایت عدل را در خصوص رفتار برابر به کار برد و بدون تردید در صورت تفاوت استحقاق افراد، رفتار و برخورداری متفاوت نیز عدل شمرده می‌شود. بر این اساس نمی‌توان برای همه انسان‌ها با شرایط، ویژگیها، ظرفیت‌ها و نیازهای متفاوت قانون و امتیازات یکسان در نظر گرفت و این موضوعی است که لازم است در مباحثی همچون عدالت و برابری جنسیتی مورد توجه قرار گیرد (Mesbah Yazdi & Sadeghi, 2020). با وجود آنکه عدالت جنسیتی در تربیت، مفهومی عام و فراگیر و در اصطلاح «لفظ مشترک» است و همه انسان‌ها آن را درک می‌کنند، ولی در مورد قلمرو، حدود، خاستگاه و شاخص‌های عدالت جنسیتی در تربیت اختلاف دیدگاه وجود دارد. هر مکتب فکری و فلسفی دیدگاه ویژه‌ای نسبت به عدالت جنسیتی در تربیت دارد که آن بر پایه چهارچوب فکری آن مکتب بنا شده است (Kalantari & Faghih Imani, 2019). اختلاف دیدگاه درباره عدالت جنسیتی در تربیت به حدی است که یک موضوع از دیدگاه یک مکتب عدالت به شمار می‌رود و از دیدگاه مکتب دیگر ناعادلانه دانسته می‌شود (Vaezi, 2021). فیلسوفان و نظریه پردازان مختلفی در ارتباط با عدالت جنسیتی سخن گفته اند، اما در پژوهش حاضر، شهید مطهری از مکتب اسلام و جان رالز از مکتب غرب انتخاب شده اند که به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های این دو متفکر درباره عدالت جنسیتی در تربیت پرداخته شده است. شهید مطهری چون از متفکران مهم جمهوری اسلامی ایران و از اندیشمندان مسلمان است که با دیدگاه فلسفی و دینی به بررسی عدالت جنسیتی پرداخته است و در این حوزه اندیشه‌های مهم و تاثیر گذاری دارد. شهید مطهری سعی دارد تا در بطن نظریات اسلامی برگرفته از فقه شیعی به مقایسه آن‌ها با نظریات روز در سطح جهان (همانند مارکسیسم و لیبرالیسم) بپردازد (Akhbari & Shafiei, 2020). لذا نظریات ایشان از طرفی، واجد پویایی است و بسیاری از مسائل جهان اسلام را در نظر دارد و از طرفی نسبت به نظریات دیگر عدالت، بی عدالت نیست. در چند دهه گذشته، دیدگاه‌های جان رالز در مورد عدالت، نظریه‌های بی شماری را به خود جلب کرده است. در این نوشتار نظریه این فیلسوف لیبرال آمریکایی، به عنوان فردی که توانسته در سطح بین الملل و تایید برخی از اسناد حقوق بشر نقشی داشته و مواد ۳ تا ۱۸ اعلامیه را هم پذیرفته است. و همچنین نظرات او مورد توجه و نقد فمینیست‌ها هم بوده است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (Jalili Marand et al., 2023). مجموعه آرا و نظریات رالز به دو دوره تقسیم می‌شود. دوره اول با چاپ کتاب «نظریه عدالت» اصول عدالت خویش را به عنوان یک نظریه اخلاقی و جامع که باید پایه و اساس هر ساختار اجتماعی عادلانه قرار گیرد، معرفی می‌کند. ولی در دوره دوم که تبلور اندیشه‌های وی در کتاب «لیبرالیسم سیاسی» مشهود است، نظریات عدالت خود را به عنوان مناسب ترین راهکار سیاسی جهت تکوین یک نظم اجتماعی در جوامع لیبرال-دموکرات معاصر

مطرح می‌کند» البته باید اذعان داشت که مساله اصلی رالز در دو کتاب اساسی اش یعنی «نظریه‌ای در باب عدالت» و «لیبرالیسم سیاسی» این است که چگونه یک جامعه بسامان را بنا نهد که در آن سود و مسئولیت به درستی توزیع شود تا نه برابری و مساوات از جامعه رخت بر بندد و نه به امید تحکیم برابری کفایت از بین برود. پس عادلانه نمودن نابرابری‌ها مهم ترین دغدغه اوست که به اعتقاد رالز در نظریه «عدالت به مثابه انصاف» پرداخته شده است (Nasri Mashkini, 2019). در عین حال نظریات او به عنوان دانشمندی لیبرال که توانسته موجی از افکار را با خود همراه کندو در مدینه آرمانی خود ضمن تعیین چگونگی به دست آوردن اصول عدالت، کوشیده تا تلفیقی از دولت برابر خواه و آزادی خواه را به وجود آوردو آزادی‌های مورد نظر لیبرالیسم کلاسیک و برابری آرمان خواهانه مارکسیست‌ها را در یک جا جمع کند، منحصر به فرد است. از زمان انتشار نظریه عدالت بسیاری از متفکران سعی کردند آن را به مساله عدالت بین المللی بسط دهند. تا اینکه در سال ۱۹۹۳ با انتشار «قانون مردمان» نظریه خود را در باب عدالت به حوزه روابط بین الملل هم بسط داد (Tavasoli, 2023). «اصل تفاوت» مندرج در اندیشه جان رالز موجب جذابیت‌هایی برای نظریه دیدگاه مخالفین برابری جنسیتی شده و این گمان را ایجاد کرده که او با پذیرش این اصل، به صورت واقع بینانه تری به وضعیت موجود نگریسته و توانسته است با فلسفه اخلاقی، تفاوت میان زن و مرد را به نحو قابل قبولی ترسیم نماید که مورد قبول همگان قرار گیرد (Thales, 2020). از این رو این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که با بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز بتوان یک الگوی منسجم ترسیم نمود. در این راستا تاکید اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز است. و در صدد آن است با نگاهی به اهم آراء جان رالز در زمینه عدالت جنسیتی با نگاهی بر تربیت، کاربرد آن را در مورد زن و خانواده مورد بررسی قرار داده و تهافت آشکار آن را با نظریه عدالت جنسیتی در اسلام از دیدگاه شهید مطهری بیان نماید این پژوهش در صدد است، با نگاهی به اهم آراء جان رالز در زمینه عدالت جنسیتی با نگاهی بر تربیت، کاربرد آن را در مورد زن و خانواده مورد بررسی قرار داده و تهافت آشکار آن را با نظریه عدالت جنسیتی در اسلام از دیدگاه شهید مطهری بیان نماید. در این راستا به سوالات ذیل پاسخ خواهد داد:

- چگونه می‌توان با بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به یک الگو دست یافت؟
- شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت شناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟
- شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟

روش تحقیق

این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا مقایسه تطبیقی است و برای این منظور ابتدا داده‌ها براساس فیش و ثبت اطلاعات گردآوری شدند که منجر به شناسایی مولفه‌های بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو شد. به عبارت دیگر به منظور گردآوری و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) استفاده گردید. باتوجه به اینکه ابعاد، مؤلفه و شاخص‌ها استخراج گردیده اند. برای بررسی صحت این دسته بندیها در واقعیت، پرسشنامه‌های محقق ساخته روایی و پایایی شاخص‌ها بدست آمد. حوزه مطالعاتی این پژوهش شامل کلیه ی مقالات و پژوهشها و نظریات صاحب نظران این حوزه می‌باشد. که تعداد آن‌ها ۱۳۰ جلد بود و با روش نمونه گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند انتخاب شد. جامعه آماری این پژوهش شامل محتوای مقالات و پایان نامه‌های نوشته شده به شیوه کدگذاری خواهد بود. شامل کلیه کتب، مقالات و تحقیقات چاپ شده بود که توسط پژوهشگران و محققان مختلف و به

شیوه کدگذاری انجام شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری از منابع معتبر، مقالات و اسناد می‌باشد که به شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی انجام می‌شود. روش نمونه‌گیری در بعد کیفی از نوع هدفمند استفاده شد. زیرا باید اطلاعات از منابعی به دست می‌آمد که با فرایند بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو همخوانی داشتند، پس به این دلیل نمونه‌گیری بر اساس هدف تحقیق شکل گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای است. روش تجزیه تحلیل داده‌ها در این پژوهش در سه مرحله ی کدگذاری باز، کدگذاری باز و محوری، کدگذاری انتخابی انجام خواهد شد. در تحقیق حاضر، برای تعیین یافته‌ها داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه مبانی نظری، پیشینه تحقیق و مستندات با مقالات انتخاب و تأیید شدند؛ استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و بررسی نمادها و نشانه‌ها و توصیف داده‌ها استفاده شد. جهت تعیین روایی یافته‌ها نیز جمع آوری داده‌ها از منابع بازبینی قرار گرفت و در تفسیرها و یافته‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های بخش، نتایج مربوط به مرحله پژوهش بر مبنای فرایند تحلیل داده‌ها در روش تحلیل مجتوا و با مدنظر قرار دادن اهداف پژوهش و همچنین تحلیل داده‌ها مربوط به الگوی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز در سه قسمت کدگذاری ارائه شده است، به عبارت دیگر نتایج حاصل از تحلیل متون و منابع مرتبط با موضوع مبانی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز ارائه گردیده است. داده‌های پژوهش از طریق فرایند کدگذاری بررسی شدند. کدگذاری فرایندی بررسی است که طی آن داده‌ها، مفهوم‌گذاری شده و به هم می‌پیوندند تا نظریه را شکل دهند. مراحل بررسی داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام می‌شود که در ادامه تشریح شده است.

۱- کدگذاری باز

در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص مولفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو، از فرایند مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش یادداشت برداری و بر اساس مبانی علمی و نظری از نظر مفهومی یکسان‌سازی شدند.

جدول ۱. مولفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو بر اساس ادبیات و پیشینه تحقیق

عبارت مستخرج	شاخص / کد باز	بعد
در رویکرد شهید صدر، عدالت متکی بر دو محور کاهش نابرابری شدید و کسب در آمد متناسب با معیشت آبرومندانه است. از دیدگاه شهید مطهری نظریه عدالت متکی بر آرای ایشان در زمینه حقوق فطری و طبیعی است.	۱-عدالت ۲-کاهش نابرابری شدید ۳-کسب در آمد متناسب با معیشت آبرومندانه ۴-حقوق فطری و طبیعی	عدالت
مشکل اینجاست که مقصود جامعه از فرد همان « مرد » است نه انسان اعم از زن و مرد. شاید در نگاه اول چنین به نظر آید که عاقدان قرارداد در پشت پرده جهل بتوانند به این تبعیض پایان دهند و به انسان‌ها فارغ از هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی شان توجه کنند؛ اما چنین اجماعی مشکل تبعیض علیه	۵-جامعه ۶-هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی ۷-تبعیض علیه زنان ۸-ماهیت جامعه شناختی	هویت

	۹-ترجیح اجتماعی	زنان را حل نمی‌کند؛ چون تبعیض اعمال شده مردان بر زنان
	۱۰-نظریه عدالت	بیشتر ماهیت جامعه شناختی داشته و نوعی ترجیح اجتماعی است و نظریه عدالت در این زمینه راه حلی ارائه نمی‌کند.
	۱۱-فمینیسم	فمینیسم پسامدرن نیز از آن جا که هیچ مشخصه ضروری را
	۱۲-مشخصه ضروری	برای مقوله زنان به رسمیت نمی‌شناسد، تعریف مشخصی از
	۱۳-زن و مرد	زن و مرد و به تبع آن نقش سیاسی آن‌ها ندارد.
	۱۴-نقش سیاسی	
سعادت	۱۵-سعادت	شهید مطهری به «سعادت» به عنوان یکی از ارزش‌های
	۱۶-ارزش‌های اخلاقی	اخلاقی معتقد است از نظر مطهری «خصوصیت ذاتی بشر
	۱۷-خصوصیت ذاتی بشر	است که طوری آفریده شده است که در کارهای خودالزاما
	۱۸-اندیشه	نوعی اندیشه‌ها که آن‌ها را اندیشه اعتباری می‌نامیم، استخدام
	۱۹-مقاصد طبیعی	می‌کند و با استفاده از آن اندیشه‌های به مقاصد طبیعی خود
		نائل می‌آید.
عقلانیت	۲۰-عدالت	عدالت به معنای راستی اخلاقی است که بر پایه اصول
	۲۱-راستی اخلاقی	اخلاقی، عقلانیت، حقوق، حقوق طبیعی، مذهب یا برابری
	۲۲-اصول اخلاقی	شکل گرفته است و همراه با تنبیهی است که به اصول تعیین
	۲۳-عقلانیت	شده تجاوز می‌کنند؛ و در جای دیگر اظهار می‌دارد: عدالت،
	۲۴-حقوق	عادلانه و منصفانه عمل کردن است
	۲۵-حقوق طبیعی	
	۲۶-مذهب	
	۲۷-برابری	
	۲۸-عادلانه	
	۲۹-منصفانه عمل کردن	
انسان شناختی	آزادی	۳۰-عدالت
		سوال از عدالت مهم ترین پرسش در زمینه عدالت است و تا
		زمانی که پاسخ آن مشخص نشود، مباحث دیگر عدالت،
		مانند معیارهای عدالت و یا تاثیر سیاست‌های اقتصادی بر
		عدالت پیشرفت چندانی نخواهد داشت. در این میان جای
		خالی نظریه‌ای با خاستگاه فلسفه اخلاق مشهود است که در
		منابع اسلامی و شیعی پتانسیل‌های بالقوه برای نظریه پردازی
		در این زمینه وجود دارد
تمدن		۳۶-تمدن بشری،
		برخی فمینیست‌ها در پی برتری زن و تحقیر مرد هستند. تبیین
		رادیکال‌ها در علت ستم دیدگی زنان بر نظریه پدرسالاری
		استوار است که به شکلی افراطی، غیر علمی و پیش داوارانه
		کل تاریخ و تمدن بشری را تاریخ توطئه فراگیر علیه زنان
		می‌داند
هدف		۴۰-توسعه
		کشور ما در زمینه توانمند سازی زنان از موقعیتی مطلوب
		برخوردار نیست و اگر برابری جنسیت هدف باشد، کشور ما
		راهی دراز در پیش دارد.
		۴۱-برابری جنسیت
		۴۲-توانمند سازی زنان
		۴۳-موقعیت مطلوب
		۴۴-هدف

	۴۵- فرصت برابر	باید برای فراهم کردن فرصت برابر همه افراد بکوشند.
	۴۶- نابرابری‌های اجتماعی و اصل تفاوت مستلزم مداخله دولت در نظم اجتماعی و اقتصادی است.	۴۷- مداخله دولت
	۴۸- نظم اجتماعی و اقتصادی	۴۹- عدالت
رفتار مساوی	۵۰- رفتار مساوی با همه انسان‌ها	عدالت یعنی رفتار مساوی با همه انسان‌ها و اینکه هیچ خصیصه‌ای در انسان‌ها مانع از تساوی حقوقی یا باعث تبعیض حقوقی نمی‌شود. اصل بر تساوی حقوقی است. تنها با دلیل معتبر می‌توان از تساوی حقوقی دست برداشت».
	۵۱- تساوی حقوقی	۵۲- تبعیض حقوقی
	۵۳- تفاوت	۵۴- فرصت برابر
	۵۵- طبیعت	است و نادیده انگاشتن این اصول طبیعت، قابلیت تبیین درست از حقوق زن و مرد را از بین خواهد برد.
معرفت شناختی	۵۶- حقوق زن و مرد	۵۷- عدالت اقتصادی
اندیشه فردی	۵۸- رابطه بین عدالت و حق	۵۹- سازوکار بازار و حاکمیت
	۶۰- اندیشه فردی	۶۱- تشابه و تفاوت
	۶۲- امکانات اولیه	۶۳- جامعه هدف
	۶۴- آزادی	۶۵- آموزه‌های دینی
	۶۶- عدالت	۶۷- موزون بودن
رعایت حقوق	۶۸- تساوی	۶۹- رعایت حقوق افراد
	۷۰- قابلیت‌های عدالت	۷۱- رعایت حقوق افراد
	۷۲- نوع دوستی	۷۳- نیکوکاری
	۷۴- بخشش	۷۵- خیرخواهی
	۷۶- دلسوزی	۷۷- تاریخی و سنتی
	۷۸- تقدیر	۷۹- تناسخ
	۸۰- مشیت الهی	۸۱- مقتضیات طبیعت
حکمت الهی	۸۲- ظرفیت	۸۳- استعداد

	۸۴-استحقاق آن	فطری، مصلحت، مفسدت، حکمت و علت احکام الهی تفسیر
	۸۵-تعالل در نظام اجتماعی	و تبیین گردد.
	۸۶-مبنای طبیعی	
	۸۷-فطری	
	۸۸-مصلحت	
	۸۹-مفسدت	
	۹۰-حکمت الهی	
	۹۱-علت احکام الهی	
روانشناختی	۹۲-عدالت	عدالت به اصلی ترین و مهم ترین مبحث فلسفه سیاسی بدل شده است و این بحث با توجه به پیچیدگی آن نیازمند واکاوی اندیشه‌ها و رهاورد متفکران بزرگ این حوزه است.
	۹۳-فلسفه سیاسی	
	۹۴-توجه به پیچیدگی	
	۹۵-واکاوی اندیشه‌ها	
طبیعت	۹۶-تشابه و تساوی	بین تشابه و تساوی نیز جدا ساخته و تساوی را پذیرفته و تشابه را نفی کرده است؛ زیرا اگر چه زن مرد از جهات مختلف مشابه یکدیگرند، اما از جهات متعدد دیگر نیز طبیعت متفاوتی دارند و حتی طبیعت متضادی با یکدیگر دارند.
	۹۷-طبیعت	
	۹۸-طبیعت متضاد	
تندرستی	۹۹-تندرستی	۱. خیرهای اولیه‌ی طبیعی مانند تندرستی، نشاط، هوش و استعدادهای طبیعی؛ ۲. خیرهای اولیه‌ی اجتماعی، مانند حقوق و آزادیها، مناصب و فرصت‌ها و درآمد و ثروت.
	۱۰۰-نشاط	
	۱۰۱-هوش	
	۱۰۲-استعدادهای طبیعی	
	۱۰۳-حقوق و آزادیها	
	۱۰۴-مناصب و فرصت‌ها	
	۱۰۵-درآمد و ثروت	
	۱۰۶-کاهش تعلق زنان به خانواده	کاهش تعلق زنان به خانواده نه تنها خشونت در محیط خانه را کاهش نداده، بلکه خشونت و تبعیض بیرون از خانه را هم به آن‌ها تحمیل کرد زیرا ارزش‌های لیبرالی نمی‌تواند زیاده خواهی‌های فردی را کنترل کند.
	۱۰۷-خشونت در محیط خانه	
	۱۰۸-تبعیض بیرون از خانه	
	۱۰۹-زیاده خواهی‌های فردی	
مساوات	۱۱۰-عدالت	عدالت، عمدتاً بر واژه‌های مساوات، برابری، میانه روی، حد وسط میان افراط و تفریط، موازنه، قرار دادن هر چیزی در جای خود، اندازه و اعتدال و... تکیه شده است
	۱۱۱-مساوات	
	۱۱۲-برابری	
	۱۱۳-میانه روی	
	۱۱۴-حد وسط میان	
	۱۱۵-افراط و تفریط	
	۱۱۶-موازنه	
	۱۱۷-قرار دادن هر چیزی در جای خود	
	۱۱۸-اندازه و اعتدال	

۲- کدگذاری محوری

در این مرحله محقق بر اساس شباهت‌های محتوایی اقدام به دسته‌بندی شاخص‌های بدست آمده در مرحله کدگذاری باز نموده است. در این مرحله که کدگذاری محوری نامیده می‌شود. بر این اساس و با توجه به بررسی‌ها و بررسی انجام شده توسط محقق برای هر بعد، تعدادی از کدهای باز/شاخص‌ها را در برگرفته است که در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲. کدگذاری محوری مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو

شاخص / کد باز	بعد
۱-عدالت	عدالت
۲-کاهش نابرابری شدید	
۳-کسب درآمد متناسب با معیشت آبرومندانه	
۴-حقوق فطری و طبیعی	
۶-هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی	
۷-تبعیض علیه زنان	
۸-ماهیت جامعه شناختی	
۹-ترجیح اجتماعی	
۱۰-نظریه عدالت	
۱۲-مشخصه ضروری	
۱۵-سعادت	سعادت
۱۶-ارزش‌های اخلاقی	
۱۷-خصوصیت ذاتی بشر	
۱۸-اندیشه	
۱۹-مقاصد طبیعی	
۲۲-اصول اخلاقی	
۲۴-حقوق	
۲۵-حقوق طبیعی	
۲۶-مذهب	
۲۷-برابری	
۲۸-عادلانه	آزادی
۲۹-منصفانه عمل کردن	
۳۱-اقتصاد خانواده	
۳۲-آزادی	
۳۳-رفاه	
۳۴-سیاست‌های اقتصادی	
۳۶-تمدن بشری	
۳۷-ستم دیدگی زنان	
۳۸-برتری زن و تحقیر مرد	
۳۹-نظریه پدرسالاری	
۴۰-توسعه	هدف
۴۲-توانمند سازی زنان	
	ارزش شناختی
	عقلانیت
	انسان شناختی

		۴۵- فرصت برابر
		۴۶- نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی
		۴۷- مداخله دولت
	رفتار مساوی	۵۱- تساوی حقوقی
		۵۳- تفاوت
		۵۴- فرصت برابر
		۵۵- طبیعت
		۵۶- حقوق زن و مرد
معرفت شناختی	اندیشه فردی	۵۷- عدالت اقتصادی
		۶۲- امکانات اولیه
		۶۳- جامعه هدف
		۶۴- آزادی
		۶۵- آموزه‌های دینی
	رعایت حقوق	۶۷- موزون بودن
		۶۸- تساوی
		۶۹- رعایت حقوق افراد
		۷۰- قابلیت‌های عدالت
		۷۱- رعایت حقوق افراد
	نیکوکاری	۷۲- نوع دوستی
		۷۵- خیرخواهی
		۷۶- دلسوزی
		۷۷- تاریخی و سنتی
		۷۸- تقدیر
		۷۹- تناسخ
		۸۰- مشیت الهی
	حکمت الهی	۸۱- مقتضیات طبیعت
		۸۲- ظرفیت
		۸۵- تعادل در نظام اجتماعی
		۸۶- مبنای طبیعی
		۸۷- فطری
		۸۸- مصلحت
	روانشناختی	۹۲- عدالت
		۹۳- فلسفه سیاسی
		۹۴- توجه به پیچیدگی
		۹۵- واکاوی اندیشه‌ها
	طبیعت	۹۶- تشابه و تساوی
		۹۷- طبیعت
		۹۸- طبیعت متضاد
	تندرستی	۱۰۰- نشاط
		۱۰۱- هوش
		۱۰۲- استعدادهای طبیعی

- ۱۰۳- حقوق و آزادیها
 ۱۰۴- مناصب و فرصت‌ها
 ۱۱۳- میانه روی
 ۱۱۴- حد وسط میان
 ۱۱۵- افراط و تفریط
 ۱۱۶- موازنه
 ۱۱۷- قرار دادن هر چیزی در جای خود
 ۱۱۸- اندازه و اعتدال

مساوات

۳- کدگذاری انتخابی

پس از کدگذاری محوری، مولفه‌های بدست آمده در یک مفهوم بزرگتر دسته بندی می‌شوند که از آن تحت عنوان ابعاد یاد می‌شود و این فرایند به کدگذاری انتخابی مشهور است. بررسی بدست آمده برای مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز مولفه‌های ارزش شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند. و مولفه‌های انسان شناختی نیز حول ۴ مولفه و ۱۲ شاخص قرار گرفتند و مولفه‌های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند. و مولفه‌های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند و در نهایت ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص در قالب یافته‌های بخش شناسایی شد که در جدول ۳ ارائه شده اند.

جدول ۳. کدگذاری انتخابی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو

شاخص / کد باز	بعد	ارزش شناختی
۱- عدالت	عدالت	ارزش شناختی
۲- کاهش نابرابری شدید		
۴- حقوق فطری و طبیعی		
۶- هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی	هویت	
۸- ماهیت جامعه شناختی		
۱۲- مشخصه ضروری		
۱۵- سعادت	سعادت	
۱۶- ارزش‌های اخلاقی		
۱۸- اندیشه		
۲۲- اصول اخلاقی	عقلانیت	
۲۸- عادلانه		
۲۹- منصفانه عمل کردن		
۳۱- اقتصاد خانواده	آزادی	انسان شناختی
۳۲- آزادی		
۳۳- رفاه		
۳۶- تمدن بشری	تمدن	
۳۷- ستم دیدگی زنان		
۳۹- نظریه پدرسالاری		
۴۰- توسعه	هدف	
۴۲- توانمند سازی زنان		

		۴۵-فرصت برابر
	رفتار مساوی	۵۱-تساوی حقوقی
		۵۴-تفاوت
		۵۶-حقوق زن و مرد
معرفت شناختی	اندیشه فردی	۵۷-عدالت اقتصادی
		۶۳-جامعه هدف
		۶۵-آموزه‌های دینی
	رعایت حقوق	۶۷-موزون بودن
		۷۰-قابلیت‌های عدالت
		۷۱-رعایت حقوق افراد
	نیکوکاری	۷۲-نوع دوستی
		۷۵-خیرخواهی
		۸۰-مشیت الهی
	حکمت الهی	۸۱-مقتضیات طبیعت
		۸۲-ظرفیت
		۸۸-مصلحت
روانشناختی	واکاوی اندیشه‌ها	۹۲-عدالت
		۹۳-فلسفه سیاسی
		۹۴-توجه به پیچیدگی
	طبیعت	۹۶-تشابه و تساوی
		۹۷-طبیعت
		۹۸-طبیعت متضاد
	تندرستی	۱۰۰-نشاط
		۱۰۱-هوش
		۱۰۲-استعدادهای طبیعی
	مساوات	۱۱۳-میان‌روی
		۱۱۶-موازنه
		۱۱۸-اندازه و اعتدال

شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت شناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟

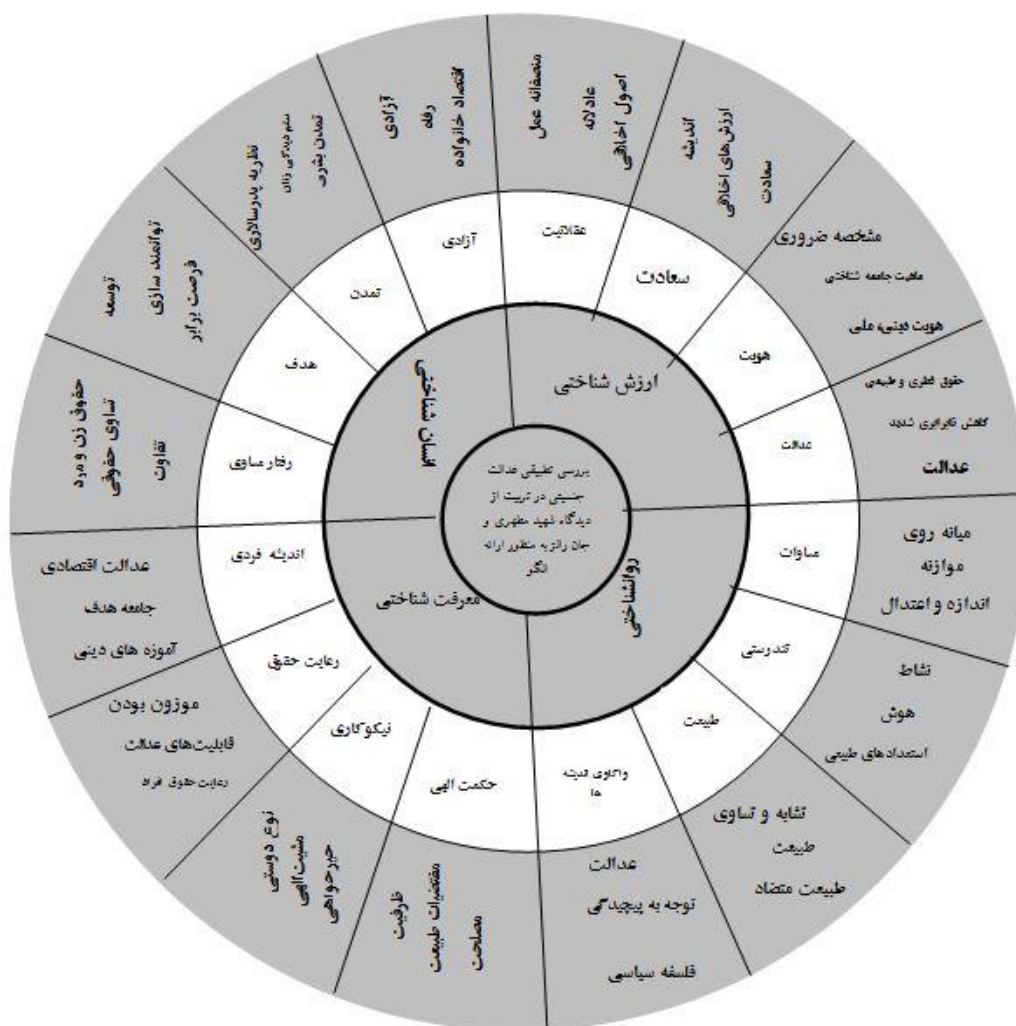
با توجه به جداول فوق و بر اساس یافته‌های بخش پژوهش که در همین فصل به تفصیل بحث شد و پس از بررسی شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت شناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تطبیقی در شاخص‌ها و مولفه‌های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص به شرح جدول ۳ شناسایی شد. مولفه‌های اندیشه فردی دارای ۳ شاخص، رعایت حقوق دارای ۳ شاخص و نیکوکاری دارای ۳ شاخص و حکمت الهی دارای ۳ شاخص دسته بندی شدند.

شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟

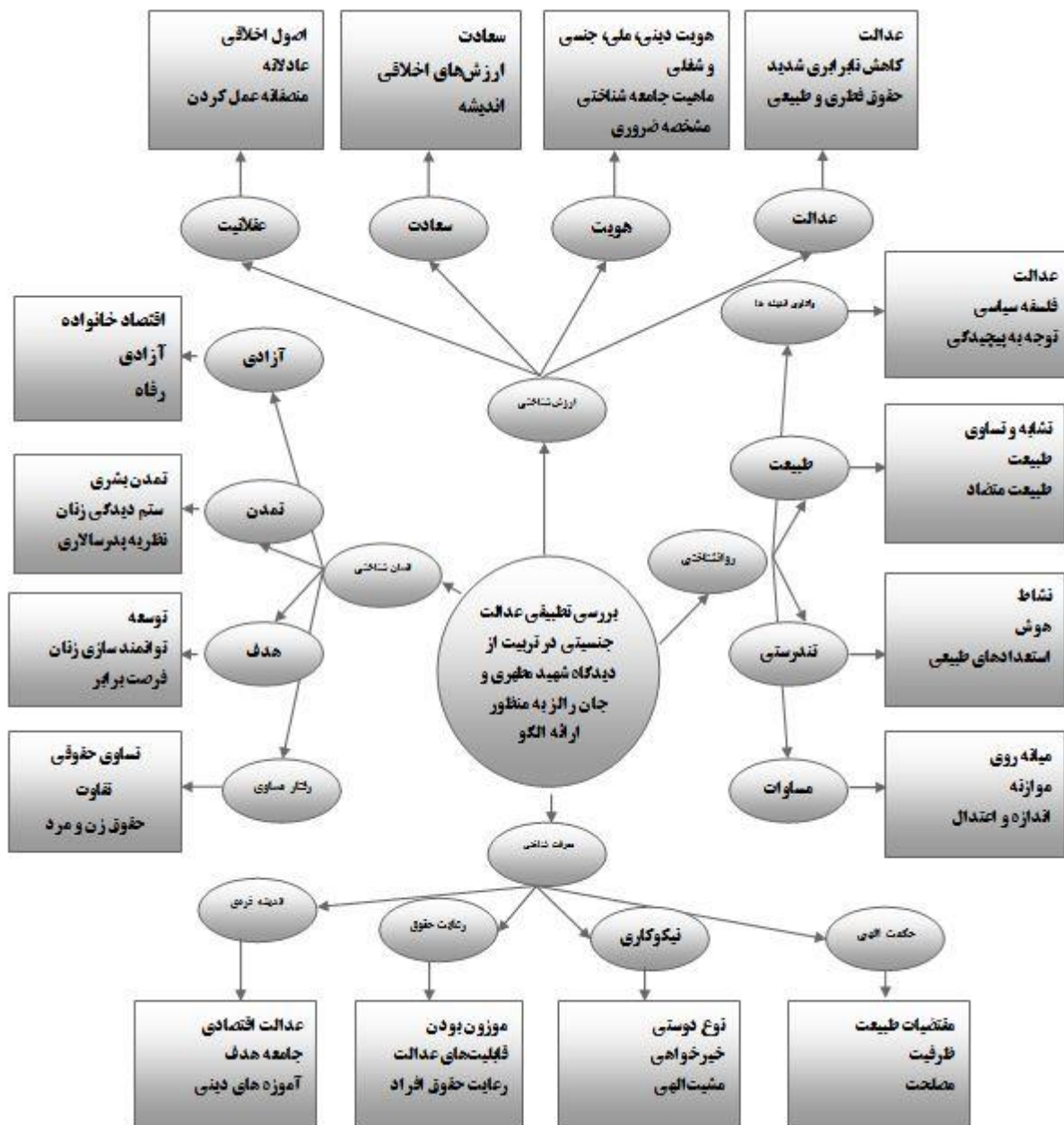
با توجه به جداول فوق و بر اساس یافته‌های بخش پژوهش که در همین فصل به تفصیل بحث شد و پس از بررسی شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تطبیقی در شاخص‌ها و مولفه‌های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص به شرح جدول ۳ شناسایی شد. مولفه‌های واکاوی اندیشه‌ها دارای ۳ شاخص، طبیعت دارای ۳ شاخص و تندرستی دارای ۳ شاخص و مساوات دارای ۳ شاخص دسته بندی شدند.

چگونه می‌توان با بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به یک الگو دست یافت؟

پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی موضوع الگوی مفهومی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو و مستندات و مقالات و پیشینه پژوهشگران در نهایت ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص شناسایی شد. این الگو در قالب اشکال زیر ترسیم شده‌اند که با هم الگوی نهایی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز را شکل داده‌اند.



شکل ۱. الگوی محقق ساخته مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو



شکل ۲. الگوی نهایی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش بدنبال بررسی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو بودیم و در راستای دستیابی به این الگو، مولفه‌ها و شاخص‌های بررسی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو شناسایی شد. در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص الگوی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو، از فرایند مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش یادداشت برداری و بر اساس مبانی علمی و نظری از نظر مفهومی یکسان سازی شدند. با عنایت به مباحث ذکر شده در صورت‌بندی مفهوم عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری می‌توان به فرصت‌های آموزشی برابر، رعایت حقوق و استحقاق افراد باتوجه به تلاش و استعداد های متریان، جبران کمبود های متریان نیازمند توجه خاص، تلازم استعداد و وظایف متریان اشاره نمود. مهم ترین مبانی عدالت تربیتی عبارت است. ۱. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است؛ ۲. برخورداری انسان

از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است؛^۳ برخوردارای انسان از تعلیم و تربیت، جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است؛^۴ برخوردارای انسان از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است؛^۵ تعلیم و تربیت مهم ترین عامل زمینه‌ساز رشد فطریات انسانی است؛^۶ تعلیم و تربیت مهمترین عامل زمینه‌ساز رشد کرامت انسانی است؛^۷ تعلیم و تربیت ابزار اصلی رشد تعقل و اراده به عنوان ویژگی‌های ایجادکننده کرامت انسانی است؛^۸ تعلیم و تربیت ابزار رشد ارزش‌های اخلاقی است؛^۹ تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز سعادت انسانی است، همچنین اصل آموزش همگانی، اصل فردیت در آموزش، اصل پرورش فطریات، اصل پرورش کرامت و اصل سعادت از مهمترین اصول برآمده از آرای شهید مطهری است. همچنین یافته نشان داد از نظر مطهری، عدالت در وجه بارز آن، رعایت استحقاق هاست و مفهوم آن این است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هرکس مطابق آنچه برحسب کار و استعداد لیاقت دارد، داده شود. مطهری تلاش را محور استحقاق می‌داند که موجب اختصاص از بهره‌مندی در تعلیم و تربیت است، یعنی افراد به واسطه تلاش خود، مستحق برخوردارای از امکانات و مواهب می‌شوند؛ یا به عبارتی می‌توان گفت تلاش متریبان نیازمند زمینه و بستر مناسب است و بدون فراهم شدن آن، تلاش افراد به وقوع نمی‌پیوندد. براین اساس، رعایت استحقاق‌های ذاتی و ناشی از خلقت، کلی‌ترین و اصلی‌ترین ملاک عدالت در بسیاری از ابعاد است؛ بدین ترتیب باید برنامه‌های درسی و آموزشی مناسب درجهت شناسایی، رشد و شکوفایی استعداد‌های مختلف همه دانش‌آموزان باشد تا متریبان به میزان استعدادها و توانایی‌ها و تلاش‌های خود در مسیر درست، گام بردارند. عدالت آرمانی است که مورد ستایش همه اقشار در همه زمان‌ها بوده و تا کنون مباحث بی شماری پیرامون آن مطرح بوده است. هر مکتب، عدالت را از دیدگاه خود طرح کرده و تبیین می‌نماید. ولی آنچه به معنای واقع ملاک تشخیص عدالت است، دقت در تطبیق نظام تکوین با تشریح است تا هر شیئی یا هر انسان در جای خود واقع شود و توان انجام کار را مطابق ساختار وجودی خویش داشته باشد و مورد ظلم واقع نشود. این تعریف از عدالت فارغ از منافع گروه و مکتب خاص است. از آنجا که هریک از زن و مرد در هستی در جایگاهی واقع شده‌اند و مسئولیتی ویژه خود دارند، ناچار در عمل بخصوص عمل متقابل افراد خانواده شبیه یکدیگر نیستند و هر یک کاری را انجام می‌دهد که دیگری یا توان انجام آن را ندارد و یا اگر بخواهد در جای دیگری انجام وظیفه کند در انجام آن عمل موفق نیست و شئون او مورد خدشه واقع می‌شود و صدمه می‌بیند. بنابراین بطور مسلم بین دو رفتار زن و مرد تفاوت وجود دارد لی این تفاوت، تنها با اصل تفاوت موجود در آراء رالز فقط یک اشتراک لفظی است. مبنای نظریه رالز در مورد عدالت به عنوان دانشمندی لیبرال که توانسته موجی از افکار را با خود همراه کند و در مدینه آرمانی خود ضمن تعیین چگونگی به دست آوردن اصول عدالت، تلفیقی از دولت برابر خواه و آزادی خواه را به وجود آورد و آزادی‌های مورد نظر لیبرالیسم کلاسیک و برابر آرمان خواهانه مارکسیست‌ها را در یک جا جمع کند. یک فضای فرضی است که در آن افراد بدون اینکه بدانند از کدام جنس، مذهب و نژاد هستند و بدون اینکه منفعتی را برای خود بخواهند، آزادی‌های اساسی نوع بشر را در ضمن توافقی در فضای خیر خواهانه و همدلی تعیین می‌کنند. او در این فضا اصولی را برای همه شهروندان تعیین می‌کند و اصلی مثل اصل آزادی و اصل فرصت برابر را می‌پذیرد. نکته این است که او به عنوان لیبرال واقعیت‌گرا در این فضای فرضی برای امور واقعی و محسوس زندگی و آزادی‌های مرتبط تصمیم می‌گیرد که از جمله اینها روابط میان زن و مرد و به تعبیر دیگر جنسیت تصمیم می‌گیرد و حال اینکه مسئله جنسیت یک بر ساخت اجتماعی است و در فضای فرضی قابل تصور نیست. از آنجایی که بین زن و مرد تفاوت‌هایی مشهود و غیر قابل انکار است، او با پذیرش اصل تفاوت، برای وصول به اصل آزادی و فرصت برابر تلاش می‌کند. اصل تفاوت از یک طرف نباید به آزادی‌های مطلق افراد بشر لطمه‌ای وارد کند و از طرف دیگر باید برای رسیدن به فرصت برابر بین انسان‌ها و از جمله زنان و مردان، تفاوت‌ها را تا حد امکان برای وصول به

برابری کاهش داد و در حقیقت پذیرش تفاوت در اینجا برای وصول به فرصت برابر است. براین مبنا، رالز برای وصول به اندیشه‌های لیبرالی و برابری طلبی خود میان افراد بشر و آثار و لوازم آن را در حد ضرورت قبول کرده و یا ناچار از پایش آن شده است و اصل تفاوت تحت الشعاع آزادی خواهی لیبرالی و یا برابری خواهی ایشان قرار دارد نه اینکه واقع بینانه تفاوت در نظام تکوین را پذیرفته باشد و به واقع در تبیین عدالت جنسیتی و بیان تساوی حقوق، به طور طبیعی تفاوتی بین وظایف زن و مرد قائل باشد. با فرض اینکه پذیرش اصل تفاوت را از جانب رالز نکته مثبت نظرات او بدانیم اما این اشکال بر او وارد است که برای احقاق حقوق زنان در مقابل مردان همه جانبه نگر نبوده است، زیرا او جبران تفاوت‌های زن و مرد را فقط با عینک مادی نگریسته و حال آنکه رعایت لطافت‌های روحی در ارتباطات اخلاقی از اهمیت بیشتری در این زمینه برخوردار است و در اسلام از آن به عنوان رفتار به معروف و رفتار به احسان یاد شده است و رالز از این مهم غفلت نموده است. در یک ارزیابی نهایی، عدالت رفتار یکسان با همه افراد نمی‌باشد، بلکه به هر کس باید حقش داده شود و چه بسا گاهی رفتار مشابه با زن و مرد عین ظلم است و بنابراین تساوی زن و مرد تنها با توجه به موقعیت هریک در نظام آفرینش و تعدیل ارتباطات متقابل آن‌ها تعریف می‌شود و به عبارت دیگر تساوی در جایی است که احکامی بر علیه هر یک از زن و مرد است برابر با احکامی باشد که به نفع ایشان است یعنی باید در تعیین وظیفه اشخاص، توازن و همسانی وجود داشته باشد، و هر نوع تساوی را نمی‌توان عدل دانست، بلکه در صورتی که استحقاق افرادی با هم مساوی و برابر و با آن‌ها یکسان عمل شود می‌توان تعبیر برخورد عادلانه و رعایت عدل را در خصوص رفتار برابر بکار برد و بدون تردید در صورت تفاوت استحقاق افراد، رفتار و برخورداری متفاوت نیز عدل شمرده می‌شود. بر این اساس نمی‌توان برای همه انسان‌ها با شرایط، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای متفاوت، قانون و امتیازات یکسان در نظر گرفت و این موضوعی است که لازم است در مباحثی همچون عدالت و برابری جنسیتی مورد توجه قرار گیرد. نهایت اینکه به نظر می‌رسد براساس جهان بینی اسلامی بتوان به نحو بارزتری به دغدغه‌های موجود در زمینه عدالت به طور عام و عدالت جنسیتی به طور خاص پاسخ داد به گونه‌ای که ضمن تأمین و رعایت عدالت، وضعیت خاص و نیازهای ویژه گروه‌های اجتماعی همچون زنان را در نظر گرفت و در فضای واقعی و نه انتزاعی تأمین کرد. راهکاری که اسلام برای این وضعیت در نظر گرفته است توجه به «احسان» در کنار «عدل» است. براین اساس احساس و انصاف را می‌توان مکمل عدل دانست و برای اجرای آن قواعد و ضوابطی را تدوین کرد و ضمن فرهنگ سازی و آموزش و آگاه سازی زمینه‌های ایجاد محیط مساعد برای زنان را فراهم کرد.

با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

در اینجا با توجه به مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز، راهبردها و راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. بهسازی و اعتلای روشهای تدریس به عنوان محور مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز
۲. روزآمد ساختن مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز در برنامه‌های درسی دانشگاه.
۳. افزایش انگیزه معلمان برای بررسی مؤلفه‌های تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز.
۴. ایجاد مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز مورد نیاز با توجه به روزآمد ساختن محتوای تعلیم و تربیت و تدوین برنامه درسی
۵. توسعه مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز و بهره‌گیری از روشهای یاددهی و یادگیری متنوع و مطلوب

۶. ایجاد مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز برای بررسی موضوعی.

۷. تحول تغییر باورهای سنتی دبیران برای شناسایی نقاط قوت و ضعف و پرورش مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز

۸. توانا کردن معلمان در مؤلفه‌های اندیشه‌های شهید مطهری و جان رالز.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The study explores the concept of gender justice in education by comparing the perspectives of Martyr Motahhari, an influential Islamic scholar, and John Rawls, a prominent Western philosopher. The comparative analysis aims to construct a comprehensive model that integrates the insights from both thinkers, thereby addressing the challenges of gender justice in contemporary educational systems.

The concept of justice is fundamental to both Islamic and Western philosophical traditions, albeit with differing interpretations and implications. Martyr Motahhari, grounded in Islamic jurisprudence, views justice as an inherent aspect of divine order, emphasizing the equitable distribution of rights and responsibilities according to individual capabilities and societal roles. He argues that justice is achieved when individuals receive what they deserve based on their inherent nature and efforts, rather than through uniform equality (Motahhari, 2017). This approach highlights the importance of recognizing natural differences between genders, advocating for a justice system that respects these differences while ensuring that neither gender is disadvantaged or privileged unjustly.

On the other hand, John Rawls approaches justice from a liberal philosophical perspective, advocating for principles of justice that can be universally applied through a social contract. His theory of justice as fairness is built on two main principles: the equal liberty principle and the difference principle (Rawls, 2020). The equal liberty principle asserts that each person has an equal right to the most extensive liberties compatible with similar liberties for others. The difference principle allows for social and economic inequalities only if they benefit the least advantaged members of society. Rawls's approach aims to ensure that all individuals, regardless of their gender, have equal opportunities to succeed, with special provisions made for those in less favorable positions.

The findings of this study revealed significant insights into the comparative perspectives of Martyr Motahhari and John Rawls on gender justice in education. Through a rigorous content analysis of relevant texts, four primary dimensions were identified: value-oriented, anthropological, epistemological, and psychological components. Each of these dimensions was further broken down into specific components and indicators, which together form a comprehensive framework for understanding gender justice in the educational context from both Islamic and Western viewpoints.

The study found that both thinkers, despite their different cultural and philosophical backgrounds, emphasized the importance of justice as a foundational principle in education. However, their approaches diverged in significant ways. Motahhari's perspective focused on the inherent differences between genders, advocating for a system that respects these differences while ensuring fairness. In contrast, Rawls's approach was more universal, emphasizing equal opportunities and the minimization of inequalities across the board. The findings suggest that a balanced approach, which integrates the recognition of gender differences with the commitment to equality, could provide a more nuanced and effective framework for achieving gender justice in education.

The comparison of these two perspectives reveals both convergences and divergences. Both Motahhari and Rawls recognize the importance of justice in structuring social institutions, including education, and agree on the necessity of addressing inequalities. However, while Motahhari's approach is rooted in the recognition of gender differences and the need for a complementary distribution of roles and rights, Rawls's theory is more concerned with ensuring equal opportunities and minimizing the impact of societal inequalities on individual life chances.

In the context of education, these differing perspectives lead to different implications for policy and practice. Motahhari's view suggests that educational systems should be tailored to the different needs and capabilities of males and females, ensuring that each gender can fulfill its potential within the framework of Islamic principles. This might involve differentiated curricula or pedagogical approaches that align with the distinct roles envisaged for men and women in society (Motahhari, 2008). In contrast, Rawls's perspective would advocate for an educational system that provides equal access to resources and opportunities for all students, regardless of gender, and seeks to eliminate structural barriers that perpetuate inequality (Rawls, 2019).

The synthesis of these perspectives into a comprehensive model of gender justice in education would involve balancing the recognition of gender differences with the commitment to equal opportunities. Such a model would need to address the specific cultural and religious contexts in which education occurs, ensuring that policies are both equitable and culturally sensitive. It would also require a nuanced understanding of how gender roles are constructed and how they can be reformed to promote both justice and social cohesion.

Ultimately, this comparative analysis underscores the complexity of achieving gender justice in education. It highlights the need for a pluralistic approach that draws on diverse philosophical traditions to create educational systems that are both fair and responsive to the needs of all students. By integrating the insights of Martyr Motahhari and John Rawls, educators and policymakers can develop strategies that are not only theoretically robust but also practically effective in promoting gender justice in diverse educational settings.

This study contributes to the ongoing discourse on gender justice by offering a nuanced framework that respects cultural diversity while advocating for universal principles of fairness and equity. The proposed model, grounded in both Islamic and Western philosophical traditions, provides a valuable tool for addressing the challenges of gender justice in education in a way that is both contextually relevant and globally applicable.

References

- Abbas Zadeh, S. (2020). A comparative study of five national development plans regarding gender justice, with emphasis on women's higher education status in Iran compared to the global situation. *Women's Research Journal*, 6(1).
- Akhavan Kazemi, M., & Veisi, S. (2020). John Rawls and international justice. *Political Science Research Journal*, 7(1).

- Akhbari, M., & Shafiei, N. (2020). A comparative study of the role of gender in politics from the perspectives of feminism and Islam. *Intercultural Studies Quarterly*, 10(24).
- Arman Mehr, M. R., & Motevasseli, M. (2010). A philosophical analysis of John Rawls's methodology in deriving the criteria of economic justice. *Journal of Humanities Methodology Research*, 16(62).
- Hekmat Nia, M. (2020). *Women's rights and family*. Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Iravani, S., Yari Gholi, B., Shams Mafraheh, S. K., & Sharafi Jam, M. R. (2023). Analysis of the concept, foundations, goals, and principles of educational justice from the perspective of Martyr Motahari. *Research on Issues of Islamic Education*, 26(41).
- Jalili Marand, A., Motafakker Azad, M. A., & Fallahi, F. (2023). Social justice from the perspectives of Hayek, Rawls, Martyr Motahari, and Martyr Sadr, with emphasis on the nature of justice. *Scientific-Research Biannual Journal*, 15(29).
- Kalantari, A., & Faghih Imani, F. (2019). Meta-analysis of research conducted on "gender inequality". *Women in Culture and Art*, 5(1).
- Mesbah Yazdi, M. T., & Sadeghi, H. (2020). *Gender and soul in Islam*. Hajar Publishing Center.
- Motahari, M. (2002). *Divine Justice* (Vol. 1). Sadra.
- Motahari, M. (2007). *Lessons of Asfar* (Vol. 11). Sadra.
- Motahari, M. (2008). *Mutual Services of Islam and Iran* (Vol. 15). Sadra.
- Motahari, M. (2011). *Islam and the Requirements of the Time* (Vol. 1). Sadra Publishing.
- Motahari, M. (2012). *An Overview of the Islamic Economic System*. Sadra Publishing.
- Motahari, M. (2013). *Philosophical Articles* (Vol. 2). Sadra.
- Motahari, M. (2014). *Twenty Speeches*. Sadra Publishing.
- Motahari, M. (2017). *Movement and Time in Islamic Philosophy*. Hikmat Publishing.
- Motahari, M. (2019). *Sexual Ethics in Islam and the West*. Sadra.
- Nasri Mashkini, A. (2019). *The foundation of justice in Rawls' theory*. Tarh-e-No.
- Rawls, J. (2019). *The Law of Peoples*. Institute for Cultural and Social Studies.
- Rawls, J. (2020). *Political Liberalism*. Sales.
- Rawls, J. (2022). *Justice as Fairness*. Qoqnoos.
- Shajarian, M. (2020). Examination of common approaches to the concept of gender justice. *Islamic Studies on Women and Family*, 7(12).
- Shirazi, M. S., & Feyzi, M. (2017). *Masnavi of Mulla Sadra*. Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Tabatabaei, S. J. (2020). *The Decline of Political Thought in Iran*. Kavir.
- Tavasoli, H. (2023). The foundation of justice in Rawls' theory. *Naqd-o-Nazar Journal*(11).
- Thales, R. (2020). *Rawls' Philosophy*. Tarh-e-No.
- Vaezi, A. (2021). *John Rawls: From Theory of Justice to Political Liberalism*. Bustan-e-Ketab.